

معرفی نسخه خطی «مقامات پیر راه» و بررسی مطالب و سبک شناسی آن

فاطمه فیاض*

چکیده:

یعقوب صرفی از فارسی سرایان نامدار منطقه کشمیر بوده و در ساحت علم و تصوف شبه قاره از حیث عالم متبحر و عارف کامل شناخته می شود. یکی از آثار چاپ نشده وی مثنوی ای موسوم به مقامات پیر راه است که صرفی آن را در احوال و مناقب پیر طریقتش، کمال الدین حسین خوارزمی، نگاشته است. شیخ حسین خوارزمی یکی از درخشان ترین عارف طریقت کبرویه در ماوراءالنهر در قرن دهم بود و این مثنوی تنها اثر ادبی است که در احوالش در شبه قاره نوشته شده است. ما در این مقاله به معرفی نسخه خطی این مثنوی پرداخته ایم و همچنین مطالب و سبک شناسی آن را مورد بحث قرار داده ایم.

واژه های کلیدی: یعقوب صرفی، حسین خوارزمی، مقامات پیر راه، ماوراءالنهر، شبه قاره.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی و ادبیات تطبیقی، دانشگاه علوم مدیریت لاهور (لمز).

۱- پیش گفتار

کشمیر از جمله مناطقی است که در طول تاریخ مرکز مهم زبان و ادبیات فارسی در آسیای جنوبی بوده است و به خاطر هماهنگی های فرهنگی و لسانی با ایران، ایرانِ صغیر خوانده می شود. با روی کار آمدن دولت اسلامی شاهمیری (۱۳۳۹ - ۱۸۸۶ م) در کشمیر، زبان و ادبیات فارسی در این خطه زمین ریشه گرفت (صادق خان، ۲۰۰۰: ۴۶). «در دوره شاهمیری بر اثر ورود صدها عالمان و صوفیان ایران و ترکستان به کشمیر، دگرگونی فکری و فرهنگی در اینجا شکل گرفت. از آن جمله عالمان می توان به امیر کبیر سید علی همدانی (د. ۷۸۶ق / ۸۵-۱۳۸۴م) اشاره کرد. مسلمانان فرهنگی نو و آداب اجتماعی جدید را با خود آوردند. اهالی کشمیر اخلاق، رسوم، ادبیات و هنرهای نو و حتی لباس نو، لوازم نو، خوردنی ها و صنعت های نو را پذیرفتند (آفاق، ۱۹۸۰: ۱۰).»

اخلاف نسبی و معنوی میر سید علی همدانی به تربیت فکری و روحی مردم این دیار پرداختند و در نتیجه اش موضوعات و مطالب صوفیانه و اخلاقی در ادبیات فارسی کشمیر جلوه عمده ای پیدا کرد. یکی از شاعران و دانشمندانی که آثارش نماینده ادبیات عرفانی و اخلاقی فارسی در کشمیر می باشد، شیخ یعقوب صرفی کشمیری (د. ۱۰۰۳ق / ۱۵۹۴ - ۹۵م) است.

۱-۱- بیان مسئله

یعقوب صرفی کشمیری، متخلص به صرفی، از فارسی سرایان ردیف اول کشمیر به شمار می رود. با وجود سهم مهمی که صرفی در تاریخ ادبیات فارسی کشمیر دارد آثار ادبی و عرفانی وی کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است. یکی از آثار منظومش مثنوی ای موسوم به *مقامات پیر راهمی* باشد که صرفی آن را در شرح حال و مناقب پیر طریقتش کمال الدین حسین خوارزمی (د. ۹۵۸ق / ۱۵۵۱م) نگاشته است. این مثنوی از جمله منابع ارزشمندی است که در پیچه آشنایی با احوال کمال الدین حسین خوارزمی، عارف بلند مرتبه طریقت کبرویه، وا می دارد و تا کنون به چاپ نرسیده است. ما در این مقاله علاوه بر معرفی نسخه خطی این مثنوی، به بررسی موضوعات و سبک شناسی آن نیز پرداخته ایم.

۱-۲- ضرورت و اهمیت تحقیق

همچو بیشتر تالیفات ادبی صرفی، مقامات پیر راه نیز به چاپ نرسیده و در مورد مطالب و ویژگی‌های سبک شناسی آن کاری انجام نشده است. درباره خود این اثر اطلاعات زیادی وجود ندارد و بیشتر محققین از این حقیقت بی‌خبر اند که علاوه بر آن دسته آثاری که اخلاف شیخ خوارزمی در احوالش نوشتند، در شبه قاره هم مثنوی‌ای در مناقب وی نگاشته شد. این موضوع لزوم پرداختن به معرفی و سبک شناسی اثر مزبور را بیشتر نمایان می‌کند.

۳-۱- پیشینه تحقیق

تنها برخی پژوهشگران درباره آثار صرفی مقاله‌هایی نوشته اند که تعداد و حجم آنها هم خیلی ناچیز است. در معرفی نسخه خطی مغازی النبی که یکی از مثنویات پنجگانه صرفی است، مقاله ارزشمندی توسط مهدی اسلامی در سال ۱۳۹۲ ش/ ۲۰۱۷ م در مجله بهار ادب چاپ شده است. همچنین مقاله کوتاه و فراگیر با عنوان *Shekih Yaqub Sarfi of Kashmir: A case study of his literary and political contribution* به قلم سمیرا احمد صوفی نگاشته شد و در سال ۲۰۱۶ م در مجله *International Journal of Scientific and Research Publication* چاپ گردید. مثنوی عرفانی صرفی موسوم به مسلک الاخیار به وسیله محمود حسن آبادی و محمد علی زهرا زاده تصحیح گردیده و در سال ۱۳۹۳ ش/ ۲۰۱۴ م منتشر شد. محمد ظفر خان در سال ۱۳۵۰ ش/ ۱۹۷۱ م مقاله‌ای در معرفی مغازی النبی در مجله هلال چاپ کرد. دیوان صرفی به اهتمام میر حبیب الله و با مقدمه اردو در سال ۱۳۸۷ ق/ ۱۹۶۷ م از سری نگر منتشر شد. محمد ظفر خان مقاله دیگری هم در احوال و آثار صرفی در سال ۱۳۳۷ ش/ ۱۹۵۸ م در مجله هلال به چاپ رساند.

۲- شرح احوال و آثار صرفی

۱-۲- زندگی‌نامه صرفی

شیخ یعقوب صرفی در سال ۹۰۸ ق/ ۱۵۰۲-۰۳ م (یا ۹۲۸ ق/ ۱۵۲۲-۲۳ م) در خانواده گنایی کشمیر به دنیا آمد. پدرش خواجه حسن عاصمی از اکابر کشمیر محسوب می‌شد (حسین، ۱۹۸۸: ۳۸). او تحصیلات ابتدایی‌اش را نزد پدرش فراگرفت. در هشت سالگی به شعر گوئی پرداخت و در آغاز از پدرش اصلاح می‌گرفت. آنگاه به شاگردی محمد آبی پیوست که خودش از شاگردان عبدالرحمان جامی (د. ۸۹۸ ق/ ۱۴۹۲ م) بود (صرفی، مغازی النبی: ۵ ب) و از او لقب جامی ثانی گرفت (سبحانی، ۱۳۷۷: ۳۲۹). در ده سالگی قرآن حفظ کرد (حسین، ۱۹۸۸: ۳۸). از دیگر اساتید صرفی می‌شود به ملا رضی و حافظ کبیر

اشاره کرد. ملا رضی در فقه، صرف و نحو، شعر و معما و انشا دست داشت در حالیکه حافظ کبیر در علم تصوف، منطق، کلام و بدیع و بیان ماهر بود (صرفی، مغازی النبی: ۵ ب).

پس از تحصیل علوم ظاهر، صرفی در راه سلوک گام برداشت و به عبادت و ریاضت پرداخت. در آغاز از میر سید علی همدانی به طور غایبانه کسب فیض نمود و آنگاه در جستجوی مرشد کامل کشمیر را به قصد سمرقند ترک کرد (همان: ۵ ب-۶ الف). صرفی در سال ۹۵۷ق/۵۱-۱۵۵۰م به حلقه اصحاب کمال الدین حسین خوارزمی، پیشوای طریقت کبرویه، درآمد (علی بدخشی، ۱۳۷۶: ۱۲۱۹) و پس از چندی شیخ به او اجازه ارشاد و خلافت داد.

مسافرت به سمرقند، مقدمه سفرهای طولانی و پی در پی صرفی برای کسب فیض از صوفیان و عالمان دیارهای مختلف گردید. او در این سفرها مشایخ بسیاری را دید و در مغازی النبی بدانها اشاره کرده است (صرفی، مغازی النبی: ۶ الف-۹ ب). صرفی دو مرتبه به قصد حج راهی حجاز شد و در آنجا از ابن حجر مکی (د. ۹۷۳ق/۱۵۲۲م) درس حدیث را گرفت و صحبت شیخ سلیم چشتی (د. ۹۷۹ق/۱۵۷۲م) را هم دریافت (صرفی، ۱۳۸۷: د).

بعد از این سفر دور دراز و کسب فیض علمی و روحانی از محضر اساتید مختلف، صرفی به کشمیر بازگشت و بالاخره در سال ۱۰۰۳ق/۱۵۹۵م چشم از جهان فرو بست (عاشقی عظیم آبادی، ۱۳۹۱: ۲/۹۱۱). آرامگاهش در زینه کدل، سری نگر، زیارتگاه خواص و عوام است.

صرفی در شبه قاره هم از حیث دانشمند و عالم متبحر و هم به عنوان عارف کامل در ساحت علم و تصوف شناخته شده بود و تعداد زیادی از مردم به حلقه ارادت و شاگردی وی پیوسته بودند. از جمله اکابر هند که صحبت صرفی را دریافتند و از او استفاده علمی نمودند می توان به امام ربانی شیخ احمد مجدد الف ثانی (د. ۱۰۳۴ق/۱۶۲۴م) اشاره کرد. او در خدمت صرفی درس حدیث را گرفت و اجازه ارشاد طریقت کبرویه را نیز کسب نمود (صرفی، ۱۳۸۷: ه). آوازه علم و فضل صرفی به قصر شاهی هم رسیده بود و پادشاهان گورکانی آن زمان، نصیرالدین همایون (د. ۹۶۳ق/۱۵۵۶م) و جلال الدین اکبر (د. ۱۰۱۴ق/۱۶۰۵م)، هم با وی ارادت می ورزیدند. خانقاهش در دوره پادشاه اکبر (۱۵۵۶م-۱۶۰۵م) مرجع خلائق بود (نفیسی، ۱۳۴۴: ۱/۴۷۰).

۲-۲- آثار منظوم و منثور صرفی

صاحب منتخب التواریخ صرفی را «جمع فضل و کمالات» قرار می دهد و می نویسد: «شعر دون مرتبه او بود اما هیچ گاه از این وادی خلو ذهن نداشت (بدایونی، ۱۳۷۹: ۳/۹۷). پس صرفی با همه فضائل و کمالاتی که داشت شعر می سرود و هیچ وقت از خلق مضامین عالی در جهان سخن غافل نمی ماند. صرفی خنسه‌ای در جواب خمسة نظامی گنجوی (د. ۶۰۸ ق/ ۱۲-۱۲۱۱ م) سرود و مثنویات پنجگانه اش بدین ترتیب است:

- مسلک الاخیار (سال تصنیف ۹۹۳ ق/ ۸۶-۱۵۸۵ م) در جواب محزن الاسرار نظامی. این مثنوی در ۲۰۱۵ م توسط دکتر محمود حسن آبادی و دکتر محمد علی زهرا تصحیح شده و از دانشگاه سیستان بلوچستان منتشر گردیده است.

- وامق و عذرا (سال تصنیف ۹۹۳ ق/ ۸۶-۱۵۸۵ م) در جواب خسرو و شیرین نظامی.

- لیلی و مجنون (سال تصنیف ۹۹۸ ق/ ۹۱-۱۵۹۰ م) در جواب لیلی و مجنون نظامی.

- مغازی النبی (سال تصنیف ۱۰۰۰ ق/ ۹۳-۱۵۹۲ م) در جواب اسکندر نامه نظامی. این مثنوی در سال ۲۰۱۷ م توسط مهدی اسلامی، به عنوان رساله دکتری در دانشگاه آزاد اسلامی، تصحیح گردیده است.

- مقامات پیر راه (سال تصنیف ۱۰۰۰ ق/ ۹۳-۱۵۹۲ م) در جواب هفت پیکر نظامی.

از این گذشته، یک دیوان نیز از صرفی به یادگار مانده است مشتمل بر غزلیات، رباعیات و مفرقات. این دیوان به اهتمام حبیب الله کاملی در سال ۱۳۸۷ ش/ ۱۹۶۷ م از سری نگر به چاپ رسیده است. تذکره نویسان دیوان جداگانه‌ای مشتمل بر قصائد را نیز به صرفی منسوب داشته اند که بقول آنها حاوی پانصد قصیده در مدح میر سید علی همدانی، کمال الدین حسین خوارزمی و صوفیان دیگر بوده است (راشدی، ۱۳۶۴: ۴۳-۲/۲۴۲). ولی متأسفانه هیچ سراغی از این دیوان یافت نمی شود.

تعداد آثار منشور صرفی به درستی معلوم نیست، در تذکرها و کتب تاریخی از این تالیفات صرفی یاد

شده است:

مطلب الطالبین (تفسیر از دو پاره کلام مجید)، شرح بخاری (تفسیر و توضیح از احادیث بخاری)، مناسک الحج (بیان مسائل حج با توجه به قرآن و احادیث)، حاشیه بر توضیح و تلویح علامه تفتازانی، اربعین (مجموعه‌ای از احادیث در وصف اهل بیت و خلفای راشد)، کنز الجواهر (هنر تعمیه)، ید بیضا (مجموعه‌ای از معنیات خویش و شرح آن)، ثلاثیات بخاری (شرح)، تقریظ بی نقط بر سواطع الالهام فیضی فیاضی، رواج (جواب لوائح جامی، چاپ شده از مطبع نولکشور، ۱۹۰۵ م).

۳- مثنوی مقامات پیر راه

مقامات پیر راه پنجمین اثر از خمسة صرّفی است و به صورت نسخه خطی موجود است. صرّفی آن را در شرح حال و مناقب مرشد خویش، کمال الدین حسین خوارزمی، در سال ۱۰۰۰ ق/ ۹۳-۱۵۹۲ م بعد از سفر ماوراءالنهر و حجاز نگاشته است. مقامات پیر راه طبق سنت قدیمی مثنوی سرایی با حمد و مناجات آغاز می شود و پس از آن نعت پیامبر و واقعه معراج بیان شده است. آنگاه صرّفی به مدح میر سید علی همدانی، بنیانگذار طریقت کبرویه در کشمیر، پرداخته است و بعد از آن اصل موضوع که احوال و مناقب نویسی مرشد صرّفی، شیخ حسین خوارزمی است، شروع می شود.

۳-۱- معرفی نسخه خطی

در این تحقیق، نسخه خطی مقامات پیر راه که در اختیار نگارنده بود با شماره ۶۱۳۴ در کتابخانه علامه اقبال، دانشگاه کشمیر، سری نگر، نگهداری می شود (رسول بت، ۱۹۸۹: ۱). نسخه مزبور مشتمل بر پنج گنج یا خمسة صرّفی است و در آن مقامات پیر راه چهارمین اثر است. این نسخه دارای ۱۹۹ برگ و به خط نستعلیق کتّاب شده است. هیچ یک از این مثنویات پنجگانه نام کاتب و تاریخ کتّاب را ندارد ولی در آغاز نسخه صفحه‌ای آمده است با نقل غزلی که در آخرش نام کاتب «نور محمد عبدالمجید» مرقوم است. پس از نام کاتب «این پنج گنج صرّفی» نوشته شده است. با توجه به املا و نگارش صفحه مزبور و قرائن دیگری احتمال می رود که کاتب این غزل و نسخه پنج گنج صرّفی یکی است.

در تمام صفحات این نسخه، اشعار در چهار ستون نوشته شده است و هر یک صفحه تقریباً ۲۱ سطر دارد. در صفحات ابتدایی نسخه عناوین با رنگ قرمز مرقوم است ولی پس از مثنوی اول، جای تمام عناوین خالی است.

در این نسخه ترتیب مثنویات و تعداد برگ‌های آنها بدین قرار است: مسلک الاخیار (۲۶ برگ)، لیلی و مجنون (۲۵ برگ)، وامق و عذرا (۲۵ برگ)، مقامات پیر راه (۴۰ برگ)، مغازی النبی (۸۳ برگ). تعداد نسخ خطی خمسة یا پنج گنج صرّفی نسبت به دیوانش کمتر است. از مثنویات صرّفی نسخه‌های جداگانه مغازی النبی و مسلک الاخیار بیشتر یافت می شود ولی تا کنون در مورد هیچ نسخه جداگانه مقامات پیر راه خبر نداریم.

۳-۲- بررسی مطالب و موضوعات مقامات پیر راه

۳-۲-۱ وجه تالیف

با آنکه مقامات پیر راه به تقلید هفت پیکر نظامی و هشت بهشت خسرو دهلوی (د. ۷۲۵ق/۱۳۲۵م) سروده شده است ولی بر خلاف این دو شاعر، صرفی برای هیچ پادشاهی مدح گستری نکرد بلکه مناقب مرشدش را موضوع این مثنوی قرار داده است. او خودش می نویسد که از مدح پادشاهان تائب است و به پیروی از گفته «مفتی دل» شرح حال مرشدش را بیان داشته است:

چون جواب چهار دفتر او	شد مرتب ز طبع نادره گو
ماند باقی یکی و آن را هم	صورتی داده آورم به رقم
لیک چون تائبام ز مدح شهان	خوش ندارم حکایت ایشان
چه نظامی چه خسرو از بهرام	قصه کردند ادا به حسن کلام
مدح بهرام گور من نکم	هم ز امثال او سخن نکم
این تردد مرا چو بود که من	بر چه مانم کنون بنای سخن
از دل خویش کردم استفتا	گفت آن مفتی صواب نما
که چو گفتم سخن ز پیغمبر	در جواب حدیث اسکندر
ران در احوال پیر خویش کلام	در جواب حکایت بهرام

(صرفی، مقامات پیر راه: ۶ ب)

در اینجا شایان ذکر است که صرفیدر مثنویات دیگرش نیز به مدح شیخ حسین خوارزمی پرداخته است. به ویژه در آغاز مسلک الاخیار که از لحاظ موضوع مثنوی عرفانی است، ذکر مفصل حسین خوارزمی دیده می شود و شرح سه مجلس او نیز آمده است (صرفی، مسلک الاخیار: ۴۸-۵۱، ۶۹-۶۱).

پیش از بررسی مطالب و سبک شناسی مقامات پیر راه، بی مورد نخواهد بود که نگاهی به زندگی کمال الدین حسین خوارزمی، مرشد صرفی و عارف نامدار طریقت کبرویه، بیندازیم:

۲-۳- کمال الدین حسین خوارزمی: شرح حال و طریقتش

شیخ کمال الدین حسین خوارزمی، فرزند شهاب الدین حسین خوارزمی، در ۸۷۰ق/۶۶-۱۴۶۵م در شهر خوارزم، در ازبکستان کنونی، به دنیا آمد (سمرقندی، ۱۳۷۷: ۷۰). وی از اخلاف برهان الدین قلیج اوزکندی^۱ بود و نسبش به خلیفه اول اسلام، جناب ابوبکر صدیق، می رسید (نجدوانی، ۹۵۲: ۵۲۳؛ بدخشانی، ۱۱۵۴: ۴۳۵؛ شریفی، ۹۸۶: ۲۳ الف - ۲۳ ب؛ شوشتری، ۱۹۹۸: ۲/۱۶۲). پیر

طریقتش حاجی محمد خبوشانی (د. ۹۳۸ق / ۳۲-۱۵۳۱م) و پیر صحبتش شیخ عمادالدین فضل الله (د. ۹۱۴ق / ۰۹-۱۵۰۸م) بود (شریفی، ۹۸۶: ۱۸ الف- ۱۸ ب؛ غجدوانی، ۹۵۲: ۱۸۸؛ بدخشانی، ۱۱۵۴: ۴۲۸؛ شوشتری، ۱۳۷۷: ۲ / ۱۶۲). خبوشانی از خلفای شیخ شاه بیدوازیبود و شیخ عماد خلیفه خود حاجی محمد خبوشانی بوده است.^۲

شیخ حسین خوارزمی در سال ۸۹۹ق/ ۹۵-۱۴۹۴م دست ارادتش را به حاجی محمد خبوشانی داد و در سال ۹۱۰ق/ ۰۵-۱۵۰۴م از او رخصت شیخی گرفته، در خوارزم به ارشاد مریدان پرداخت (شریفی، ۹۸۶: ۲۶ ب). طریقتش به دوازده واسطه به نجم الدین کبری (د. ۶۱۸ق/ ۲۲-۱۲۲۱م) می رسد (شریفی، ۹۸۶: ۱۸ ب- ۱۹ الف؛ غجدوانی، ۹۵۲: ۳۷ - ۴۰؛ خوارزمی، ۹۸۶: ۲۲۸ ب - ۲۲۹ الف). شیخ حسین در ۹۲۳ق/ ۱۸-۱۵۱۷م رو به سمرقند آور و پس از چندین سال تبلیغ و ارشاد در ۹۵۶ق/ ۵۰-۱۵۴۹م به همراهی ۳۰۰ نفر از مریدان خود و درویشان ماواراءالنهری از راه ترکیه عازم حجاز شد و مناسک حج را به جا آورد (شریفی، ۹۸۶: ۱۰۰ الف). وی در راه بازگشت از مکه، در شهر حلب، مریض شد و پس از چند روز بیماری همانجا در سال ۹۵۸ق/ ۱۵۵۱م فوت کرد (همان: ۱۸۷ ب). او را اول در حلب امانتاً به خاک سپردند و پس از شش ماه و بیست روز، طبق وصیتش، جسدش را به دمشق بردند و رو به روی صالحیه، در خانقاه حسینیّه دفن کردند (همان: ۱۸۹ الف؛ الحموی، ۱۲۸۴: ۳ / ۲۹۷).

۳-۲-۳- منابع مقامات پیر راه

مقامات پیر راه اولین کتابی در شرح حال شیخ حسین خوارزمی نیست، بیشتر از این دو اثر منشور ادبی در این موضوع نوشته شده بود که اولش مفتاح الطالبین نگاشته کمال الدین محمود غجدوانی (د. حدود ۹۵۶ق / ۹۵-۱۵۹۴م)، مرید و خلیفه شیخ حسین، می باشد. غجدوانی تالیف این کتاب را در سال ۹۵۰ق/ ۱۵۴۳م به پایان رساند (غجدوانی، ۹۵۲: ۵۲۶). این کتاب حاوی یکم مقدمه و چهار مقاله است:

- مقدمه: در بیان اصفیا و اولیا و فرق میان اولیا و اهل ارشاد
- مقاله اول: در بیان ریاضات و مجاهدات آن مرشد راه و مقتدای آگاه شیخ کمال الدین حسین خوارزمی
- مقاله دوم: در بیان ریاضات و مجاهدات آن حضرت که بعد از انابت به مقتدا و متابعت آن پیشوا اختیار کردند
- مقاله سوم: در بیان خاصیات و خوارق آن مقتدای عالمیان

- مقاله چهارم: در بیان مجالس آن حضرت (این بخش مشتمل بر گزارش چهل مجلس شیخ حسین خوارزمی است)^۳

- در آخرین بخش کتاب ذکر از نسب و بازماندگان حسین خوارزمی آمده است (منزوی، ۱۳۶۹: ۸۴۹-۸۴۷/۱۱؛ همان، ۱۳۵۷: ۴۳-۴/۲۱۴۲).

از آنجا که صرفی در ۹۵۷ق / ۵۱-۱۵۵۰م به حلقه ارادت شیخ حسین خوارزمی پیوست (لعلی بدخشی، ۱۳۷۶: ۱۲۱۹) و تا آن موقع فقط *مفتاح الطالبین* نگاشته شده بود، او همین کتاب را در نگارش *مقامات پیر راه* به عنوان منبع اساسی در نظر گرفته است و در آغاز مثنوی اش بدان اشاره می کند:

بعد از آن چون شدم بر آنکه بیان	کنم احوال آن رفیع الشان
آنچه خود بنده دید از احوالش	یا بر آن دال بود اقوالش
یا شنیدم ز مخبران ثقات	مخبرانی ز نفس دیده نجات
همه را نظم کرده ام به تمام	به ادای لطیف و حسن نظام
هم در احوال آن سپهر صعود	جمع محمود غجدوانی بود
بود دُرهای جمع او منشور	نثر او نیز داشتم منظور
نثر او را به نظم آوردم	داخل نسخه خودش کردم
گشت منظومه ای بعون الله	که شود مرشدی به سالک راه

(صرفی، *مقامات پیر راه*: ۶ ب)

با توجه به بدین اشعار *مقامات پیر راه* را می توان به سه بخش تقسیم کرد:

- دیده ها و شنیده های صرفی در خدمت شیخ حسین خوارزمی.
- وقایع نقل شده از راویان معتبری که اغلب شان مریدان و پیوستگان شیخ حسین خوارزمی بودند.
- مجموعه احوال و فرموده های شیخ حسین خوارزمی، موسوم به *مفتاح الطالبین*، که کمال الدین محمود غجدوانی آن را گردآوری کرده و نوشته بود.

در مجموع بیشترین بخش *مقامات پیر راه* ترجمه منظوم از *مفتاح الطالبین* است و صرفی مشاهدات خویش را در مباحث آغازین و در ذیل نقل وقایع مختلف آورده است.

اینجا لازم ذکر است که پس از *مفتاح الطالبین* کتاب منشور دیگری هم به اسم *جادة العاشقین* در احوال و مناقب شیخ حسین خوارزمی نوشته شد. این کتاب نگاشته شریف الدین حسین خوارزمی (د. ۹۸۴ق /

۱۵۷۶م)، فرزند و جانشین شیخ حسین خوارزمی، است. *جادة العاشقین* در بین سال های ۹۷۰ق/ ۱۵۶۳م ۶۴م - ۹۷۳ق/ ۱۵۶۶م نوشته شد. درحالیکه تعداد چشمگیری از مباحث و وقایع منقول در هر دو کتاب یکی است، در *جادة العاشقین* گزارش سفر حج شیخ حسین به تفصیل آمده است و *مفتاح الطالبین* فاقد آن می باشد.

با آنکه سال تالیف *مقامات پیر راه* (۱۰۰۰ق/ ۱۵۹۲-۹۳م) چندین سال بعد از نگارش *جادة العاشقین* (۹۷۳ق/ ۱۵۶۶م) است ولی صرفی در مثنوی اش هیچ اشاره ای بدان نکرده است و این کتاب جزو منابع وی نیست. چون صرفی در ۹۵۷ق/ ۱۵۵۰-۵۱م به خدمت شیخ حسین خوارزمی رسید و پس از کسب خلافت و اجازه ارشاد در مدت کوتاه به سفرهای طولانی پرداخت، می توان احتمال داد که وی در هنگام نگارش مثنوی خود از وجود *جادة العاشقین* بی خبر بود و فقط نسخه ای یا نسخه هایی از *مفتاح الطالبین* را با خود داشت که احتمالاً آن را از ماوراءالنهر همراهش آورده بود.

۳-۳- خلاصه مطالب مقامات پیر راه

مطالب این مثنوی را به لحاظ موضوع می شود به شش بخش قسمت کرد:

۳-۳-۱- بخش اول: مباحث آغازین

مثنوی مزبور با ستایش پروردگار و نعت پیامبر آغاز می شود. پس از آن اشعاری در صفات خلفای راشد، وصف حضرت زهرا و حسنین کریمین آمده است و آنگاه واقعه معراج بیان شده است. بعد از آن برخی اشعار در مناجات و آرزوی حج سروده شده است. آنگاه صرفی منقبت میر سید علی همدانی، پیشوای طریقت کبرویه، آورده و همچنین تعداد اشعاری در مدح مرشد خویش، شیخ حسین خوارزمی، نوشته است. در پایان این بخش صرفی فرزند خویش محمد حسن را مخاطب ساخته و تعدادی اشعار را در پند و نصایح برای وی سروده است. در مورد اهمیت ادبی و معنوی این اشعار در جای خود بحث می شود.

۳-۳-۲- بخش دوم: وجه تالیف، مآخذ و مقدمه

در اینجا صرفی می نویسد که او به گفته «مفتی دل» در آخرین مثنوی خسته اش به جای مدح پادشاهان، احوال و مناقب مرشد خویش را بیان کرده و قصد آن داشته است که این منظومه راهنما و راهگشای سالکان راه باشد. پس از آن صرفی به مآخذ خویش اشاره می کند و چون قبلاً ذکر آن رفته است، ما از تکرار آن در اینجا می پرهیزیم.

پس از آن مقدمه‌ای مشتمل بر مباحث حکمت، اخلاق، اقسام عبادت، فلسفه آفرینش، معرفت حق، راه سلوک، احتیاج مرشد و اطوار سبع آمده است. در پایان مقدمه شجره طریقت شیخ حسین خوارزمی بیان شده است.

۳-۳-۳ بخش سوم: شرح حال حسین خوارزمی از کودکی تا بیعت

در این بخش کراماتی که در کودکی از شیخ حسین خوارزمی ظاهر شد، مذکور است. پس از آن به سفرهای وی در طلب مرشد کامل و ریاضات و مجاهداتش اشاره شده است. همچنین در مورد کسب فیض وی از صحبت صوفیان، درویشان و مجذوبان مطالبی آمده است که از جمله آنها می شود به شیخ لطف الله، درویش خرقة پوش، محمد بیگ، جلال الدین بخارایی و عمادالدین فضل الله اشاره کرد. تعدادی از مزارهای صوفیان در شهرهای مختلف ماوراءالنهر که شیخ حسین خوارزمی از آنها زیارت کرد، در این بخش یاد شده است همچو مرقد فخرالدین نوری، مزار نجم الدین کبری، مزار حکیم آتا، بکر حامد و روضه امام رضا در مشهد.

۳-۳-۴ بخش چهارم: کسب فیض از شیخ حاجی محمد خوبشانی

پیوستن شیخ حسین خوارزمی به حلقه ارادت حاجی محمد خوبشانی و دوازده سال در خدمتش به سر بردن موضوع این بخش مثنوی است. همچنین مطالبی درباره کرامات شیخ خوبشانی، ریاضات و مجاهدات و خلوت نشینی شیخ حسین خوارزمی، سفرهای او با مرشدش، بنای خواق طریقت کبرویه در شهرهای مختلف، رخصت شیخی گرفتن حسین خوارزمی و وقایع دیگر نقل شده است. صرفی در این بخش مثنوی به کسب فیض خویش از شیخ حسین خوارزمی نیز اشاره کرده است.

۳-۳-۵ بخش پنجم: اجازه ارشاد و تربیت مریدان

پس از کسب خلافت و اجازه ارشاد از حاجی محمد خوبشانی، به خوارزم رفتن شیخ حسین خوارزمی و به تربیت مریدان پرداختن، اظهار کرامات از او، خلوت نشینی اش، سفرهایی به شهرهای مختلف، بنای خواق در خوارزم، سمرقند و در دیارهای دیگر ماوراءالنهر، شرح حال و کرامات برخی خلفای شیخ حسین خوارزمی و اظهار ارادت از طرف پادشاهان محلی به وی موضوع این بخش مثنوی است.

۳-۳-۶ بخش سوم: مجالس شیخ حسین خوارزمی

در مقاله چهارم مفتاح الطالبین، گزارش مجالس چهلگانه شیخ حسین خوارزمی آمده است. صرفی از آنها دوازده مجلس را انتخاب کرده و در این بخش مثنوی به نظم برگردانیده است. گزارش بیشتر مجالس با

مصراعی همچو «سایلی کرد از آن جناب سوال... (صرفی، مقامات پیر راه: ۳۹ ب)» شروع می شود. شیخ حسین خوارزمی در این مجالس در پاسخ گویی به سوال های مردم عامه، عالمان، دانشمندان و عارفان نکات دقیق علمیو عرفانی ابراز داشته است.

۴- مختصات فکری مقامات پیر راه

۴-۱- بیان نکات عرفانی و اخلاقی

شیخ یعقوب صرفی از بزرگترین صوفیان فارسی سرای شبه قاره به شمار می رود (نفیسی، ۱۳۴۴: ۱/۳۷۲). اندیشه های مذهبی، عرفانی و فلسفی وی نه تنها در آثار منشور و رسائلش پدیدار است بلکه در مثنویاتش هم طنین انداز می شود. با آنکه در این زمینه مسلک الاخیار صرفی با مطالب عرفانی اش اهمیت بیشتری دارد ولی او در مقامات پیر راه، در ذیل احوال و مناقب نویسی مرشد خویش، نظرات و عقائد خویش را هم ابراز نموده است.

پس از مباحث مقدماتی مثنوی، شرح حال شیخ حسین خوارزمی به صورت وقایع مختلف بیان شده است. بیشتر وقایع چنین آغاز می شود: «نقل دارم از آن رفیع الشان... (صرفی، مقامات پیر راه: ۱۸ الف)»، «روزی از روزها در آن ایام... (همان: ۱۷ ب)» و «روزی آن مرشد جهان فرمود... (همان: ۱۳ الف)». صرفی در بیشتر موارد بعد از نقل یک واقعه با آوردن کلمات ندائیه همچو «صرفیا» و «ساقیا» اندیشه های عرفانی اش را به طور حاصل واقعه ابراز می دارد. به عنوان مثال در پایان حکایتی با توجه به همت سالک و جزای ایزدی می نویسد:

صرفیا قدر تو بهمت تو است درخور همت تو قیمت تو است

اگر افتاد همت تو بلند کنگر عرش افتد به کمند

(همان: ۱۹ ب)

در جای دیگری در بیان اهمیت رضای پیر برای مرید می گوید:

صرفیا جز رضای پیر مجوی غیر از او هیچ دستگیر مجوی

جز رضایش تو زیهار، مدان رهنائی به عالم عرفان

(همان: ۲۰ ب)

همچنین پس از نقل یکی از وقایع در توصیه به عقل گریزی و جنون ورزی می نویسد:

ساقیا غیر مشغول تا کی	آتش عقل سوز، یعنی می
برفروزش چنان که شعله آن	آتش اندر زند به کون و مکان
بلکه آن شعله چون شود لامع	با زقات جنون شود لامع
گویت از تکلفات برون	که مخواهم به جز شراب جنون
دم به دم میل آن شراب کم	تا بنای خرد خراب کم

(همان: ۳۰ ب)

در بعضی جاها حکایات فرعی نقل شده اند که با موضوع مناسبت دارند و در رسیدن به نتیجه اخلاقی مورد نظر مفید می باشند. به عنوان مثال حکایتی از پادشاهی هندوستان و وزیرش در شرح این نکته عرفانی بیان شده است که مناصب دنیاوی برای سالکان با اخلاص و بی ریا مانع راه نمی شود (همان: ۳ الف).

۲-۴- نصائح نامه

یکی از مباحث مهم این مثنوی مشتمل بر اشعاری است که در آن صرفی فرزند خویش محمد حسن را مخاطب قرار داده است. این بخش مثنوی را می توان نصحائح نامه گفت و نمونه های بارز قبیل آن در ادبیات فارسی و عربی یافت می شود. عنصر المعالی کیکاؤس (د. ۴۸۰ ق / ۸۸-۱۰۸۷ م)، دانشمند نام آور ایرانی در قرن پنجم، برای فرزندش گیلان شاه کتابی به اسم قابوس نامه نگاشته است که آن هم مجموعه ای از پند و نصحائح اخلاقی و آداب اجتماعی است. همچنین کتاب ایما/الولد از امام محمد غزالی (د. ۵۰۵ ق / ۱۱۱۱ م) ادامه همین سنت ادبی است. خود نظامی گنجوی برای پسرش و خسرو دهلوی برای دخترش پندهای منظوم نوشته اند. چون صرفی در خمسه نگاری اش آثار همین دو شاعر را برای خود الگو ساخته است، در نصحائح نامه اش نیز تاثیری پذیری از آنها دیده می شود. به خصوص نصحائح نامه های نظامی و صرفی از نظر سبک و موضوع نزدیک به هم می باشد، چنان که این اشعار:

نظامی

جایی که بزرگ بایدت بود	فرزند من نداردت سود
------------------------	---------------------

(گنجوی، ۱۳۷۰: ۳۶)

صرفی

لاف نسل منت ندارد سود	بلکه فرزند من نخواهی بود
-----------------------	--------------------------

(صرفی، مقامات پیر راه: ۶ الف)

۴-۳- ساقی نامه

نظامی گنجوی اولین کسی بود که در مثنوی هایش ساقی نامه و مغنی یا مطرب نامه را سرود. صرفی نیز به تقلید از آن در آغاز و پایان برخی وقایع اشعاری در خطاب به ساقی و مطرب آورده است و اگر همه آنها را گردآوری کنیم می توان ساقی نامه کوتاه و عمده ای تهیه کرد:

ساقیا از آن می ام بده جامی که ببخشد به جانم آرامی

(همان: ۱۱ ب)

مطربا چنگ و ارغوان کن ساز کن طرب را به این صدا آواز

(همان: ۲۸ ب)

۴-۴- مناجات نویسی

در مثنوی های اخلاقی و عرفانی فارسی مناجات نویسی هم رایج بوده است. صرفی نیز در ادامه همین سنت ادبی، در پایان اشعار حمدیه، مناجات والهانه و بسیار تحسین انگیز را نوشته است که چنین آغاز می شود:

ای خدای من و خدای همه رحمت عامت از برای همه

رحمتی خواهم از عنایت خاص که مرا سازد از دو کون خلاص

(همان: ۲ ب)

۴-۵- شرح اصطلاحات عرفانی

در بعضی موارد شرح و توضیح برخی اصطلاحات عرفانی هم آمده است، چنان که در مورد «اطوار

سبعه» می نویسد:

طور قالب که اولین طور است کشف جن غالباً در این طور است

کن ز لوث کسالت آن را پاک تا شوی در سلوک ره چالاک

طور نفس آمده مقام دوم	فرض تهذیب نفس بر مردم
بایدت نفس را مؤدب کرد	همه اخلاق را مهذب کرد

(همان: ۸ الف)

با آنکه موضوع اساسی این مثنوی احوال نویسی و مناقب گوینی است و شرح اصطلاحات عرفانی به طور فرعی در آن آمده، ولی صرفی دسترسی و مهارت بسیار عالمانه‌ای را در این هنر از خود نشان داده است. ۴-۶- استفاده از اقوال و آثار عارفان

در بیان مباحث عرفانی و نکات اخلاقی از اقوال و آثار عارفان و دانشمندان پیشین استفاده شده است. نکات مأخوذ از مثنوی معنوی جلال الدین رومی (د. ۶۷۲ق/۱۲۷۳م)، رساله قشیری از امام قشیری (د. ۴۶۶ق/۱۰۷۴-۷۵م)، اقوال خواجه احرار (د. ۸۹۵ق/۱۴۹۰م)، احوال بایزید بسطامی (د. ۲۶۱ق/۸۷۴-۷۵م) و مکتوبات شیخ یحیی منیری (د. ۷۸۲ق/۱۳۸۱م) به طور دلائل و تأکید بر مسائل گوناگون عرفانی ارائه شده است:

از قشیری شنیدم این تمثیل	بهر ره رفتنت بغیر دلیل
که توئی مثل آن درخت که رست	از زمین و کسش نکشت، نجست

(همان: ۷ الف)

بشنو از بایزید بسطامی	قدس الله سره السامی
هر که را نیست ز اهل عرفان شیخ	نبود او را بغیر شیطان شیخ

(همان: ۷ ب)

مولوی در مثنوی چو بسفت	مستدل راست پای چوین گفت
------------------------	-------------------------

(همان: ۷ الف)

در مجموع این مثنوی هم تذکره مشایخ است و هم نمونه برجسته‌ای از ملفوظات نگاری منظوم. این در خودش کار دشواری است که بدون تسلط کامل بر هنر شعری امکان پذیر نیست و صرفی به خوبی از عهده آن بر آمده است.

۴-۷- استفاده از اشعار عربی

صرفی در اثنای سخن گوئی، بدون هیچ تکلف و تصنع، اییاتی به عربی نیز می سراید که در روانی و شیوایی کمتر از شعر فارسی وی نیست. شعر عربی اش نشانگر قریحه سرشار وی در شعر گوئی و تبحرش در زبان و ادبیات عربی است:

کل فیه لسان من عرفه. اظهر العجز منه من وصفه .

(همان: ۲ ب)

ما عرفناک حق معرفتک. عجز الواصفون عن صفتک.

(همان: ۷ الف)

۵- مختصات سبکی مقامات پیر راه

در بین مقلدان نظامی گنجوی در شبه شاره، صرفی جایگاه ویژه‌ای دارد و او را به درستی «یوسف کنعان خوش حرفی» گفته اند (راشدی، ۱۳۴۶: ۲/۶۲۸). با آنکه موضوع اساسی مقامات پیر راه ملفوظ نگاری و مناقب نویسی می باشد و در همچنین اثر ادبی رعایت آرایه‌های ادبی و شعری کار دشواری است، ولی صرفی همچو آثار منظوم دیگرش در این مثنوی هم سبک خودش را پاسداری نموده و تسلطش را در هنرهای شعری نشان داده است. صرفی خودش سبک این مثنوی را «به ادای لطیف حسن نظام» (صرفی، مقامات پیر راه: ۶ ب) خوانده است که شایسته به نظر می آید. ما در زیر ویژگی‌های سبکی این مثنوی را به ساختار زبانی، واژگانی و بلاغی قسمت کرده ایم:

۵-۱- بررسی ساختار زبانی:

۵-۱-۱- اشتقاق

شهد الله بهترین شهود که جز او نیست شاهد و مشهود

(همان: ۲ الف)

۵-۱-۲- حذف

خاصه زان جمله چار یار کبار جانشین محمد مختار

(همان: ۵ الف)

سوی خلق خدا پییر او بهر تبلیغ وحی دارد رو

(همان: ۳۷ ب)

۳-۱-۵- جناس

لیک من هرچه دیدمی حالی از محبت ندیدمی خالی
(همان: ۱۱ ب)

۴-۱-۵- قافیه

قافیه کردن واژه‌های غیر فارسی با واژه‌های فارسی
چون به خوارزم قبرها بسیار
بود بی‌شک ز اولیای کبار
(همان: ۱۲ ب)

که در این باب بذل کوشش‌ها. گر دهد مدعای مافی‌ها.
(همان: ۳۷ ب)

استفاده از ضمایر به عنوان حروف قافیه
من درو دیدم و شناختش
آگه از حال خویش ساختش
(همان: ۱۳ الف)

مرهی از طبیب آوردش پای افکار را دوا کردش
(همان: ۱۸ الف)

۲-۵- بررسی ساختار واژگانی

۱-۲-۵- ردیف گروهی

از ردیف گروهی به فراوانی استفاده شده است:
ناگهان آمده محمد بیگ
در خانه زده محمد بیگ
(همان: ۱۱ الف)

باز برگشته بر عقب دیدم
پر ز خون راه در عقب دیدم
(همان: ۱۶ ب)

۲-۲-۵- صفات و ترکیب‌ها

استفاده از ترکیبات قرآنی و یا ساختن صفات و ترکیباتی که بخشی از آن برگرفته از آیات و احادیث می باشد از ویژگی‌های بارز این مثنوی است:
ایها الغافلون غفلت چند پنبه در گوش از نصیحت چند

(همان: ۳۵ الف)

ز ابروان مقوسش رونق

قاب قوسین یافت است الحق

(همان: ۵ ب)

ساخت جا بر سریر او ادنی.

فت برتر ز اوج ثم دنی.

(همان)

۵-۲-۳- واژگان مجبور

بنهادیم در وجود قدم.

پس چو از بهر معرفت رغدم.

(همان: ۷ الف)

به لوندی شدی دلم مایل.

به ملاهی مرا کشیدی دل.

(همان: ۱۱ الف)

تا شتالنگ پا به برف فرو.

رفتی پا برهنه بهر وضو.

(همان: ۲۰ ب)

۵-۲-۴- تکرار

ورنه از آدمی گری مخروش

پس به تحصیل آن بکوش بکوش

(همان، ۷ الف)

رخنه رخنه دل فلک زان تیر

تیر آهش که بگذرد ز اثر

(همان: ۱۱ ب)

۵-۳- بررسی ساختار بلاغی

چنانکه پیشتر اشاره کردیم جنبه تاریخی این اثر بر جنبه ادبی اش رجحان دارد و متنش بیش از آنکه بر ادبیت کلام متمرکز داشته باشد، معنا محور است، البته این بدان معنا نیست که صرفی از میزهای بلاغی صرف نظر کرده است. شاخص ترین ویژگی های بلاغی این اثر را می شود بدین گونه دسته بندی کرد:

۵-۳-۱- مراعات النظیر و تناسب

لام یک زلف و زلف دیگر جیم

بینی او الف، دهانشیم

(همان: ۱۷ ب)

گر نکو بنگری به موج و حباب. ننگری غیر یک حقیقت آب.
(همان: ۳۸ ب)

۵-۳-۲-تشبیه

از آرایه تشبیه در این مثنوی خیلی استفاده شده است، به ویژه تشبیه بلیغ بسامد زیادی دارد. نمونه‌هایی از تشبیهات بلیغ در این متن بدین قرار است: مهر رخسار، مطبخ عطا، پستان فیض، کمان دعا، بحر شوق، آئینه دل، سپهر سعود، تیر آه، طوطی جان، مژه تیر، خم فیض، باغ دل، صفحه افلاک...

بر من آهوی چشم دلبر ما. همچو چشم پلنگ و شیر نما.

(همان: ۲ ب)

قرص خورشید وار نور خدا. جلوه گر بر تو ساختم اما.

(همان: ۲۵ الف)

۵-۳-۳-تشخیص

عقل بر خوان حکمتش همان. لقمه زان نصیبه لقمان.

(همان: ۳ ب)

۵-۳-۴-تلمیح

بر رواق رسالت او سلطان. موسی‌اش با عصای خود دربان.

(همان)

۵-۳-۵-پارادوکس

وای بر حال پیر نابالغ. که به خلق از خدا بود فارغ.

(همان: ۷ ب)

۵-۳-۶-تصویرگری

شب مشکین نقاب رفت آخر. صبح کافور فام شد ظاهر.

(همان: ۱۷ الف)

۵-۳-۷- سوال و جواب

گفت کس تا به طور روح رسید.

گفتم آری رسید هر که دوید.

(همان: ۲۸ الف)

۵-۳-۸- تضمین آیات و احادیث

گفت امامی که خلق راست بنه.

کل یوم له کالف سنه.

(همان: ۷ ب)

قل هو الله واحد واحد.

الذی لم یلد و لم یولد.

(همان: ۲ الف)

۶- نتیجه گیری

شاعران، عارفان و دانشمندان منطقه کشمیر در تاریخ ادبیات فارسی شبه قاره هند و پاکستان سهم چشمگیری دارند. یعقوب صرّفی از فارسی سرایان نامدار کشمیر و پس از امیر خسرو دهلوی یکی از مهمترین مقلدان نظامی گنجوی در شبه قاره است. مقامات پیر راه، پنجمین اثر خمسة صرّفی، از لحاظ سبک و مطالب اهمیتی بسزا دارد. با آنکه این مثنوی در جواب هفت بیکر نظامی گنجوی نوشته شد ولی صرّفی در سرایش آن به نوعی هنجار گریزی پرداخته و اثرش را با موضوع جداگانه‌ای ارائه نموده است. بیشتر مقلدان نظامی گنجوی در مثنوی‌هایی که به پیروی از هفت بیکر نگاشتند، همسانی و هماهنگی موضوعی را رعایت کرده اند، همانگونه که هشت بهشت امیر خسرو دهلوی در جواب هفت بیکر نظامی است، ولی صرّفی در این اثر از ستایش و مدح پادشاهان گریز کرده و به جای آن، به مناقب و احوال پیرش پرداخته است. وی در آغاز مثنوی بدین هنجار گریزی و روایت شکنی آگاهانه اشاره می نماید. پیر طریقت صرّفی، کمال الدین حسین خوارزمی، بنیان‌گذار شاخه‌ای از طریقت کبرویه و درخشان‌ترین عارف و نماینده این طریقت در ماوراءالنهر در قرن دهم بود. چون صرّفی خودش از مشایخ اکبر شبه قاره بوده است، نگارش این مثنوی به قلم وی بر اهمیت آن می افزاید. مقامات پیر راه در تاریخ شعر عارفانه فارسی و مثنوی سرایی شبه قاره نمونه‌ای خوب و کمیاب از ملفوظ نگاری و مناقب نویسی منظوم است. صرّفی در اثنای احوال نگاری و وقایع نویسی نظرات عرفانی خویش را به طور عالمانه ارائه داشته که در نوع خود بسیار ارزشمند است. قوالب موضوعی مختلف در این مثنوی دیده می

شود همچو ساقی نامه، مطرب نامه، نصایح نامه و غیره و صرفی با تبحر کامل خود در هنرهای شعری از عهده هر یک از آنها به خوبی برآمده است. مقامات پیر راه از نظر سبک و موضوع اثر مهم صرفی است و می توان آن را در تاریخ خمسه نگاری و مثنوی سرایی فارسی در شبه قاره اثری ارزشمند به حساب آورد.

یادداشت ها

۱. برهان الدین قلیجعارف و نویسنده قرن هفتم هجری بود و نسبش به هفت واسطه به شیخ حسین خوارزمی می رسد. اسم کاملش برهان الدین ابو منصور عثمان ابن محمد بن محمد اوزجندی عجمی بود و در اهالی اوزجند به اسم برهان قلیج معروف بوده است. از او مثنوی عرفانی و اخلاقی موسوم به مرتع الصالحین و زادالسالکین به یادگار مانده است. نک: مایل هروی، نجیب (۱۳۸۱ش/۲۰۰۲م)؛ این برک های پیر: مجموعه بیست اثر چاپ نشده فارسی از قلمرو تصوف؛ تهران: نشر فی.

۲. برای آگاهی های بیشتری با این دو عارف رجوع شود: خواجهی، محمد (۱۳۹۲ش/۲۰۱۳م)؛ تذکره شیخ محمد خبوشانی؛ مقدمه احسان الله عظیمی، چاپ اول، تهران: انتشارات مولی؛ کربلایی، حافظ حسین (۱۳۴۹ش/۱۹۷۰م)؛ روضات الجنان و جنات الجنان؛ به تصحیح جعفر سلطان القرائی، چاپ اول، تهران: انتشارات بنگاه.

۳. مجالس چهلگانه شیخ حسین خوارزمی به تصحیح و مقدمه دکتر اسماعیل شفق، دانشیار دانشگاه بو علی سینا، به چاپ رسیده است. متن این مجالس بر اساس تک نسخه ای که در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۴۸۹۲ نگهداری می شود، تصحیح گردیده است. رک: غجدوانی، کمال الدین محمود (۱۳۸۸ش)؛ چهل مجلس (مجالس کمال الدین حسین خوارزمی)؛ با مقدمه و تصحیح دکتر اسماعیل شفق، چاپ اول، همدان: انتشارات کرشمه.

کتاب شناسی و منابع:

- آفاقی، صابر (۱۹۸۰م)؛ عکس کشمیر؛ لاهور: سنگ میل پبلیکیشنز.
- بدایونی، عبدالقادر (۱۳۷۹ش/۱/۲۰۰۰م)؛ منتخب التواریخ؛ به تصحیح مولوی احمد علی و مقدمه و اضافات دکتر توفیق سبحانی، چاپ اول، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- بدخشانی، مجد الدین علی (۱۱۵۴ق/۴۲-۱۷۴۱م)؛ جامع السلاسل (خطی)؛ شماره ثبت ۱۰۶۰، اسلام آباد: کتابخانه گنج بخش، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- حسین، محمد طیب (۱۹۸۸م)؛ اولیائے کشمیر؛ لاهور: نذیر سنز پبلشرز.
- الحموی، محمد امین دمشقی (۱۲۸۴ق/۱۸۶۷م)؛ خلاصة الاثر فی اعیان القرون الحادی عشر؛ بیروت: دار صادر.
- خوارزمی، کمال الدین حسین (۹۸۶ق/۱۵۷۸م)؛ ارشاد المریدين؛ نسخه خطی شماره ۱/۲۹۷۶۷۱؛ علیگره: کتابخانه مولانا آزاد، دانشگاه اسلامی علیگره.
- راشدی، سید حسام الدین (۱۳۴۶ش/۱۹۶۷م)؛ تذکره شعرائے کشمیر؛ لاهور: اقبال اکادمی پاکستان.
- رسول بت، غلام (۱۹۸۹م)؛ فهرست مخطوطات ریسرچ لائبریری: گروه عربی فارسی مخطوطات پردیس دانشگاه کشمیر؛ سری نگر: دانشگاه کشمیر، کراون پریس.
- سبحانی، توفیق (۱۳۷۷ش/۱۹۹۸م)؛ نگاهی به تاریخ ادب فارسی در هند؛ چاپ اول، تهران: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.

- سمرقندی، مطرب (۱۳۷۷ش/۱۹۹۸م)؛ نسخه زیبای جمانگیر؛ به تصحیح اساعیل بیگ جانوف و سید علی موجانی، چاپ اول، قم: کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- شریفی، شریف الدین حسین خوارزمی (۹۸۶ق/۱۵۷۸م)؛ جاذة العاشقین (خطی)؛ شماره ثبت ۱/۲۹۷۶۷۱، علیگره: کتابخانه مولانا آزاد، دانشگاه اسلامی علیگره، هند.
- شوشتری، قاضی نور الله (۱۳۷۷ش/۱۹۹۸م)؛ مجالس المؤمنین، چاپ چهارم، تهران: انتشارات اسلامی.
- صادق خان، ممتاز (۲۰۰۰م)؛ کشمیر میں اردو نثر کا تحقیقی مطالعہ (۱۸۷۷م تا ۱۹۹۶م)؛ رساله دکتری در راهنمایی غلام مصطفی خان، جامشورو: گروه اردو، دانشگاه سند.
- صرفی، یعقوب (بی تا)؛ پنج گنج صرفی (مغازی النبی، مقامات پیر راه)؛ نسخه خطی شماره ۶۱۳۴، سری نگر: کتابخانه علامه اقبال، دانشگاه کشمیر.
- (۱۳۸۷ق/۱۹۶۷م)؛ دیوان صرفی؛ به اهتمام میر حبیب الله کاملی، سری نگر: بروکاز پریس.
- (بی تا)؛ مسلک الاخیار (خطی)؛ شماره ثبت ۱۵۷۴، سری نگر: کتب خانه علامه اقبال، دانشگاه کشمیر.
- عاشقی عظیم آبادی، حسین قلی خان (۱۳۹۱ش/۲۰۱۲م)؛ تذکره نشر عشق؛ به تصحیح سید کمال حاج سید جوادی، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- غجدوانی، محمود (۹۵۲ق/۱۵۴۵م)؛ مفتاح الطالبین (خطی)؛ شماره ثبت ۲۸۵۳، اسلام آباد: کتابخانه گنج بخش، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- گنجوی، نظامی (۱۳۷۰ش/۱۹۹۱م)؛ لیلی و مجنون؛ تصحیح و مقدمه حسین پژمان بختیاری،

چاپ اول، تهران: انتشارات پگاه.

- لعلی بدخشی، مرزا لعل بیگ (۱۳۷۶ش//۱۹۹۷م)؛ ثمرات القدس من شجرات الانس؛ به تصحیح سید کمال حاج سید جوادی، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مختاراف، احرار؛ «سخنی چند راجع به جاذبه العاشقین»، آریانا، دوره سیام، شماره ۳ (۱۳۵۱ش/۱۹۷۲م)، ۳۱ - ۳۶.
- معصومی، بهرام (۱۳۸۰ش/۲۰۰۱م)؛ «جاذبه العاشقین»، دانشنامه ادب فارسی (ادب فارسی در آسیای میانه)، به سرپرستی حسن انوشه، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۳۱۵: ۳۱۶.
- منزوی، احمد (۱۳۶۹ش/۱۹۹۰م)؛ فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان؛ اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- (۱۳۵۷ش/۱۹۷۸م)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه گنج بخش؛ لاهور: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- نفیسی، سعید (۱۳۴۴ش/۱۹۶۵م)؛ تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی: تا پایان قرن دهم هجری؛ تهران: کتاب فروشی فروغ.